

Journal de l'Art et du Combat

گاہنامہ ہنر و مبارزہ

ترجمہ توسط حمید محوی

Site web du

Parti communiste du Canada (marxiste-léniniste)

Enregistré auprès d'Élections Canada sous le nom de
Parti marxiste-léniniste du Canada

سایت حزب کمونیست کانادا (مارکسیست-لنینیست)



Numéro 39

28 novembre 2011

INDEX

Préparatifs de guerre contre la Syrie et l'Iran

• [Dénouons les criminels de guerre que sont Harper et compagnie! Établissons un gouvernement anti-guerre!](#)

À titre d'information

- [Le gouvernement Harper dépense un demi milliard de dollars pour le programme de satellites militaires des États-Unis](#)
- [La Ligue arabe prend des mesures sans précédent pour isoler la Syrie](#)
- [L'OTAN dissimule ses préparatifs d'intervention militaire en Syrie](#)
- [Prédictions pour un Grand Moven-Orient](#)

[NUMÉROS PRÉCÉDENTS](#) | [ENGLISH](#)

تدارکات جنگی علیه سوریه و ایران

حزب کمونیست کانادا خواهان افشای دولت هارپر

و تشکیل دولت ضد جنگ است



کانادایی ها باید از این اصل دفاع کنند که تدارکات جنگی به همان اندازه مهم است که هر گونه جنایت جنگی دیگر. جنگ تجاوزکارانه، بالاترین جنایت جنگی بوده و بی آن که شرایط عینی و ذهنی آن فراهم آمده باشد، تحقق نخواهد یافت.

دفاع از چنین اصلی به این معنا است که باید دولت کانادا را مسئول تدارکات جنگی علیه سوریه و ایران دانست، و باید به هم چنین تمام آنهایی را که به بهانه های مختلف در پی توجیه چنین تدارکاتی هستند، به عنوان مسئولان جنگ تلقی کرد.

تدارکات جنگی علیه سوریه و ایران به فهرست جنایات جنگی که پیش از این توسط دیکتاتور فدرال و مشاورانش انجام گرفته اضافه می گردد، فهرستی که علاوه بر افغانستان از این پس جنگ تجاوزکارانه علیه لیبی را نیز در بر می گیرد.

در مراسم 24 نوامبر در اوتاوا، به مناسبت بزرگداشت جنگ علیه لیبی به عنوان پیروزی بزرگ و فتح مشمنز کننده ای که تنها می توان آن را با فتوحات نازی ها قابل مقایسه دانست، جنگ طلبی و دیکتاتوری هارپر را مثل روز آشکار ساخت.

دیکتاتوری فدرال هارپر به عنوان دولتی که ضمیمه نظام امپریالیستی و دولت های تحت سلطه ایالات متحده است، و به عنوان عضو پیمان تجاوزکارانه ناتو و مرکز فرماندهی دفاع هوا فضای آمریکای شمالی، کشور کانادا و نیروهای نظامی اش را برای جنگ

علیه سوریه و ایران آماده می کند. چنین تدارکاتی چیزی نیست به جز جنایت جنگی از سوی آن هایی که مستقیماً در آن شرکت دارند و آنهایی که با هارپر هم راه شده اند.

روز 20 نوامبر، دیکتاتور هارپر اعلام کرد که «کشتی جنگی کانادایی تا پایان سال 2012 در آبهای مدیترانه باقی خواهد ماند و در خدمت عملیات محاصره و لوژیستیک در پاسخ به خشونت دولت سوریه در جنگ داخلی به کار بسته خواهد شد». دولت کانادا اعلام کرد که کشتی «وانکوور» که در تجاوز نظامی به لیبی شرکت داشته است، دوباره در عملیات دریایی ناتو در مدیترانه، «عملیات آندیوور» تا پایان سال 2012 به خدمت گرفته خواهد شد.



(توضیحات مترجم : کشتی جنگی «وانکوور» کلاس هالیفاکس، تقریباً چند منظوره که از سال 1993 وارد خدمت نیروی دریایی کانادا در اقیانوس آرام شد. این کشتی دارای قابلیت ضد زیر دریایی و اهداف هوایی و زمینی است.)

سال بعد مأموریت این کشتی به یک کشتی جنگی دیگر به نام «شارلتوته تاوون» که یک کشتی مشابه و از کلاس هالیفاکس است واگذار خواهد شد. عملیات آندیوور به بهانه مبارزه با تروریسم از سال 2001 در آبهای دریای مدیترانه آغاز شد.



NCSM Charlottetown

این کشتی جنگی در سال 1995 وارد خدمت به نیروی دریایی کانادا شده است.

وزیر جنگ کانادا، پیتر مک – کی گفت که کانادا برای حمله نظامی به سوریه آماده است. ارتش کانادا «برای هر احتمالی آماده می شود». حمله علیه سوریه «تنها پس از یک سری مجازات های تدریجی در سطح بین المللی امکان پذیر خواهد بود [...] من فکر می کنم با رفتار بسیاری از دیکتاتورها سازشکاری نخواهد شد. ولی چگونه وارد عمل خواهیم شد و مرحله بعدی چه خواهد بود، این موارد بستگی به برخی روندهای تدریجی دارد.»



این «روند تدریجی» مربوط است به مداخلات فعال ایالات متحده و اروپا در سوریه که عبارت است از ایجاد جنگ داخلی واپس گرای مصنوعی و تدارکات نظامی ضروری برای صف آرایی نظامی نیروهای ناتو در خارج از مرزهای سوریه به هدف حمله نظامی به این کشور. این تدارکات، پیش از همه، عبارت است از تحریف خبری برای جلب توافق افکار عمومی که هیچ مخالفتی برای سرنگونی رژیم سوریه و ایجاد دولتی که مستقیماً به نظام امپریالیستی وابسته و تحت کنترل ایالات متحده باشد وجود نداشته باشد.

تخریب افکار عمومی و آماده سازی آن برای جنگ تجاوزکارانه بر اساس تاکتیک استعماری انجام می گیرد که عبارت است از «نفاق بیانداز و حکومت کن». در جهان معاصر ابر قدرت، قدرتی است که می تواند اپوزیسیون داخل کشوری را که به عنوان هدف تعیین شده، تأمین مالی کرده و مسلح سازد. این اپوزیسیون می تواند از بین قبایل مختلف، مذاهب یا قومیت های مختلف باشد و یا خیلی به سادگی، از اپوزیسیون هایی باشد که برای کسب قدرت عجله داشته و به پشتیبانی امپریالیسم ایالات متحده تکیه می کند. در نتیجه رژیمی که به این شکل مورد حمله قرار گرفته، با تمام قوا به دفاع از خود بر می خیزد، و به این ترتیب خشونت ها بالا گرفته و به سوی جنگ داخلی واپس گرا حرکت می کند و سپس فراخوان برای مداخله بین المللی صادر می شود.

در کانادا، پشتیبانی مهم از سیاست جنگی دیکتاتور فدرال از سوی آنهایی که عمل می آید که پرچم «مسئولیت حفاظتی» را به دست گرفته اند، و از اعمال خشونت خارجی برای جلوگیری از خون ریزی در جنگ داخلی حرف می زنند. و داستانی را که در مورد لیبی تعریف کردند، دوباره می خواهند دوباره در مورد سوریه بازنویسی کنند.

این داستان تکراری از زبان آنهایی که از سرنگونی رژیم ایران حرف می زنند نیز شنیده می شود. امپریالیسم آمریکا چشم طمع به ایران دوخته و می خواهد این کشور را از چنگ رقبای اروپایی خود درآورد. بدگویی هایی ایالات متحده در مورد ایران بی غرض نیست. ایالات متحده فراموش می کند که جامعه ایران سرنگونی دولت از طریق کودتا را که به روی کار آمدن رژیم دژخیم و مستبد پهلوی و بازگشت شاه انجامید در تاریخ خود به ثبت رسانده و نتایج آن را نیز متحمل شده است. از تاریخ سرنگونی شاه در سال 1979، جامعه ایرانی روند پر تحرکی را به خود دیده : مبارزه طبقاتی و تضادها و منازعاتی که در اثر تحولات در جامعه سنتی و امتیازات اشرافیت به وجود آمد، سیر تحولات در تولیدات کوچک به تولیدات اجتماعی مدرن و زایش طبقه سرمایه دار بومی که خواهان بهره برداری از منابع طبیعی کشور است و تولیدات بزرگ، و بخشی که سرنوشت خود را به انحصارات جهانی پیوند زده و از سوی دیگر جنبش طبقه کارگر که بیش از پیش ابعاد گسترده به خود گرفته و با کسب تجربیات بیشتر به میدان آمده است.

آنهایی که از بلند پروازی های جنگی دیکتاتور هارپر دفاع کرده اند، در عین حال هر گونه تأمل و تحلیل در زمینه جنگ امپریالیستی را نیز بی مورد ارزیابی می کنند. آنها نمی خواهند بپذیرند که مسئولیت مردم کانادا در رابطه با مردم جهان و در رابطه با

اصل حفاظت از جان انسان ها، در سازمان دهی و ایجاد دولت ضد جنگ در همین کشور (یعنی در کانادا) است. مسئولیت از تشکیل دولتی آغاز می شود که مسئولیت حفظ حقوق عمومی و حقوق همگان را به عهده می گیرد و این حقوق را در مقابل حقوق انحصارات تضمین کرده و شرایطی را به عنوان جایگزین به وجود می آورد که وجود انسان در آن از وضعیت مرکزی برخوردار باشد. هر گونه تعبیر دیگری از مسئولیت بین المللی کانادا تقلب و جزء بهانه هایی است که می خواهد ما را به ماشین جنگی امپریالیسم امپراتوری آمریکا ضمیمه کند.

آنهایی که بلند پروازی های جنگجویانه هارپر را تأیید می کنند، فراموش کرده اند که مسئولیت حفاظت واقعی به عهده خود مردم است، آنها هستند که برای دفاع از حقوقشان متشکل می شوند. مردم رهایی بخش خودشان هستند.

آنهایی که از جنگ دفاع می کنند، فراموش کرده اند که نظام امپریالیستی ایالات متحده همه جا جاسوس و مأمور می فرستد تا حرج و مرج ایجاد کنند، دقیقاً مشابه جاسوسان و مأمورانی که پلیس کانادا بین سازمان ها و گروه هایی فرستاده بود که برای مخالفت با گرد هم آیی کشورهای 20 در سال 2010 در اونتاریو جمع شده بودند. آنهایی که با جنگ موافقت کرده اند، فراموش کرده اند که اصول استقلال و حاکمیت ملت ها، حق مورد حمله واقع نشدن توسط قدرت های بزرگ امپریالیستی و ضرورت ایجاد تعادل بین المللی بر اساس منافع متقابل و نه بر اساس قانون جبهه زور و قدرت برتر، تماماً از دست آوردهای پیروزی بر فاشیسم طی جنگ دوم جهانی است. این اصول به هیچ وجه نباید تحت تأثیر باز زایی فاشیسم و فشار نظام امپریالیسم دولتی به رهبری ایالات متحده به فراموشی سپرده شود و زیر پا گذاشته شود، که پیوسته در پی ایجاد آنارشی، دیکتاتوری و تداوم وضعیت جنگی و تحمیل قانون قدرت برتر است.



آنهايي که با سياست جنگي هارپر هم پيمان شده اند، فراموش کرده اند که در سال هاي 1960 و 1970، وقتي ژاندارمري سلطنتي کانادا و مأموران نظامي ايالات متحده سعی کردند مبارزات عادلانه مردم استان کبک را براي کسب حقوق ملي در هم شکنند، و آن را به تروريسم کور، آناشي و هرج و مرج تبديل سازند، کانادا نيز هدف تحريکات جنگ داخلي قرار گرفته بود. ديکتاتور فدرال در آن دوران به بهانه مبارزه عليه تروريسم حکومت نظامي اعلام کرد و نيروهاي مسلح را در خيابان هاي کبک مستقر ساخت تا با ايجاد ترس و وحشت، مبارزان حقوق عمومي را از فعاليت بازدارد. در سال 1979، کميسيون مک دونالد درباره انحرافات ژاندارمري سلطنتي کانادا، از تروريسم دولتي و مداخله در سازمان هاي مردمی ياد کرده است که به هدف منصرف ساختن طبقه کارگر و متحدانش در بازسازي تشکيلاتي انجام گرفته بود.

شخصيت هاي پيشگام آن دوران در اتحاد با مبارزات رهايي بخش ملي در کبک عليه امپرياليسم ايالات متحده و استعمار انگليس - و - کانادا بودند. در شرايط آن دوران، مي بايستي آگاهانه با جاسوسان و ارتش آمريکا رويارويي مي کردند که با سوء قصدهاي تروريستي و ديگر روش هاي پليد و پلشت براي سرکوب مبارزات رهايي بخش ملي کبک و جنبش کارگري و مبارزه عمومي براي حقوق اجتماعي شان، و به همين ترتيب زنان و نخستين ملت هاي کانادايي (مترجم: به احتمال قوي يعني قبائل سرخپوست)، در پي ايجاد جنگ داخلي بودند. در آن دوران خطر واقعي جنگ داخلي واپس گرا تهديد مي کرد، مداخله ارتش آمريکا از يک سو و از سوي ديگر به هدف ضميمه سازي کانادا و کبک به بهانه دفاع از امنيت ملي ايالات متحده، پرچم کذابي حفاظت از جان شهروندان را برافراشته بودند.

مسئوليت کاندايي ها دفاع از خودشان در مقابل ديکتاتور فدرال و امپرياليسم ايالات متحده است، تا طبقه کارگر و متحدانش بتوانند از حقوق همگاني دفاع کنند و به حل مسائل اقتصادي، سياسي و اجتماعي موجود در اين کشور پردازند.

چنين امري به اين معنا است که بايد به دست يازي هاي پليس سياسي که در صفوف سازمان هاي مردمی و مبارزات آنها براي دفاع از حقوق همگاني و براي آلترناتيوي که به مرکزيت اجتماعي انسان تکیه دارد، نفوذ کرده بودند آگاه بود. و به هم چنين بايد آگاه بود که «جامعه بين الملل» جاسوسان و مأموران و گروه هاي مزدور و افراي را به هدف جلوگيري از پيشرفت اجتماعي، و در صورت لزوم، تحريک جنگ داخلي واپس گرا براي تعويض رژيم، و روي کار آوردن رژيمي که از منافع امپراتوري ايالات متحده دفاع کند.

هم پيمان شدن با بلند پروازي هاي جنگ طلبانه ديکتاتور فدرال، به معنای به فراموشي سپردن تمام جهان است که در دام نظام امپرياليسم دولتي به رهبري ايالات متحده گرفتار آمده است.

هم پیمان شدن با بلند پروازی های جنگ طلبانه، به معنای به فراموشی سپردن واقعیت عینی کشورهای کوچک است که در فقدان قدرت کافی در رویارویی با تحریکات امپریالیستی و طرح تجزیه که در اشکال جنگ داخلی واپس گرا به وقوع می پیوندد بسیار شکننده هستند.

هم پیمان شدن با بلند پروازی های جنگ طلبانه به معنای نفی اصل عدم دخالت در امور داخلی ملت ها و حاکمیت آنها است.

هم پیمان شدن با بلند پروازی های جنگ طلبانه به معنای نفی این حقیقت است که ملت ها رهایی بخش خودشان بوده و هم آنها هستند که می توانند دیکتاتورها را سرنگون کنند. با فراموش کردن چنین اصلی است که به جبهه جنگ تجاوزکارانه به رهبری ایالات متحده می پیوندند، و چنین جنگی را به نام حفاظت از ملت هایی که در خطر رژیم خودشان قرار گرفته اند، توجیه می کنند.

هم پیمان شدن با بلندپروازی های جنگ طلبانه، به معنای منحرف ساختن مبارزات مردم برای دفاع از حقوقشان به ورطه جریان های پوشالی است که به جای پشتیبانی از کسب حقوق همگانی و مبارزه علیه مداخلات امپریالیستی، به تخریب مبارزات مردمی می انجامد.

هم پیمان شدن با بلندپروازی های جنگ طلبانه در کانادا، عملاً به این معنا است که مبارزاتی را که در همین کشور برای متشکل ساختن طبقه کارگر و متحدانش برای دفاع از حقوق همگانی در مقابل حقوق انحصارات بر پا شده، و از مبارزات آگانه و سازماندهی شده مردم، و از مبارزاتی که مرکزیت جایگاه انسان را به رسمیت می شناسد، قطع نظر کنیم.

دست تجاوزکاران از سوریه و ایران کوتاه!

جنايات جنگی هارپر را افشا کنیم!

آنهایی را که با جنایت جنگی هارپر هم پیمان شده اند افشا کنیم!

برای تشکیل دولت ضد جنگ مبارزاتمان را سازماندهی کنیم!

دولت هارپر نیم میلیارد دلار برای برنامه ماهواره نظامی ایالات متحده سرمایه گذاری کرده است



دولت هارپر به نام برقراری تعادل در وضعیت بودجه اعلام کرده است که مجبور به قطع 200 میلیون دلار برای تأمین مالی برنامه های اجتماعی، مانند تحقیقات در زمینه محیط زیست و به ویژه ایستگاه دیدبانی لایه های ازن در استراتوسفر کانادا بوده است. با این وجود، هم چنان به نظامی سازی اقتصاد کشور ادامه می دهد و صدها میلیون دلار برای تدارکات جنگی به ثروتمندان می پردازد، و علاوه بر این پیوسته در حال ضمیمه سازی ارتش کانادا به ماشین جنگی ایالات متحده است.

به عنوان مثال، دولت کانادا اخیراً اعلام کرد که 477 میلیون دلار برای سهم شدن در سامانه اطلاعاتی وزارت دفاع ایالات متحده از راه ماهواره بودجه اختصاص داده است، یعنی سامانه ای که هزینه آن سرسام آور به نظر می رسد. به گزارش وزارت دفاع ایالات متحده، سامانه «باند فوق وسیع ماهواره ای» (وایدباند گلوبال ساتلایت) «یک سامانه اطلاعاتی است که طی منازعات در تمام سطوح - به استثناء جنگ اتمی - در خدمت نیروهای مسلح ایالات متحده، هم پیمانان قرار می گیرد». دست کم 9 ماهواره نظامی بر فراز مناطق مختلف کره زمین مستقر خواهد شد که قادر است باند وسیع و نیرومندی را با فرکانس بالا در اختیار نیروهای ایالات متحده و همپیمانان او قرار دهد.

ایالات متحده پیش بینی کرده بود که این ماهواره را در سال 2004 برای ارتش آمریکا عملیاتی سازد. ولی بر اساس گزارشی که به تاریخ 2011 منتشر شد، دولت آمریکا

برای تولید و کنترل و تضمین کیفیت سامانه اطلاعاتی با مشکلاتی مواجه شده بود که روند تولید سه ماهواره اول را کند کرده بود. در نتیجه، نخستین ماهواره تنها در سال 2007 بر فراز اقیانوس آرام پرتاب شد و در آوریل 2008 عملیاتی گردید. ماهواره دوم بر فراز خاورمیانه و افغانستان مستقر شد و در ژوئن 2009 اعلام کردند که عملیاتی شده است، و سومین ماهواره نیز در مارس 2010 بر فراز اقیانوس آتلانتیک مستقر شد. سه ماهواره دیگر باید در سال های 2012 و 2013 پرتاب شود و چهارمی پیش از 2013 پرتاب نخواهد شد. بین ماهواره هفتم و هشتم احتمالاً باید دوسال فاصله زمانی وجود داشته باشد. بودجه ای که برای این سامانه پیش بینی شده بود، یک میلیارد و سیصد میلیون دلار آمریکایی بود، ولی در حال حاضر از سه میلیارد و پانصد میلیون دلار آمریکایی نیز گذشته است. ارتش آمریکا برای این سامانه اطلاعاتی از کنگره 469 میلیون دلار آمریکایی تنها برای سال جاری درخواست کرده است.

این گونه به نظر می رسد که هدیه کانادا به وزارت دفاع ایالات متحده، انحصارات اسلحه سازی و دفاع کانادا در پی سهم شدن در این طرح می باشد، اگر تا کنون چنین قراردادی امضا نشده باشد (...). در پارلمان، وزیر دفاع ملی، ژولین فانتینو پرداخت میلیون ها دلاری که از منابع اجتماعی کانادا به ماشین جنگی ایالات متحده پرداخت شده و در اتحاد با ماشین جنگ تجاوزکارانه هارپر می باشد را به این شکل توجیه کرد که: «نیروهای ما در افغانستان و در لیبی در صحنه جنگ نشان دادند که قابلیت مبادله اطلاعات بین مرکز فرماندهی و یگانهای ما در محل تا چه اندازه در توفیق عملیات می تواند مؤثر باشد. طرح دولت بر اساس پاسخ گویی به چنین نیازی بوده و در عین حال ارزش پول ملیات دهندگان را نیز رعایت می کند. بر این اساس ما می خواهیم با هم پیمانانمان در این طرح شریک شویم تا نیروهای ما بتوانند به کهکشان ماهواره بین المللی دسترسی داشته باشند».

به گزارش بنگاه های خبری، استرالیا در سال 2007 در این طرح سهم شده و بیش از 800 میلیون دلار آمریکایی برای ششمین ماهواره و دسترسی به بخشی از باند وسیع سامانه، پرداخت کرده است. علاوه بر کانادا و استرالیا، زلاند نو، لوکزامبورگ، دانمارک و هلند خواهان شرکت در این طرح شده اند.